

شرح دکترین قانون مدنی

(آزمونی، تشریحی، کاربردی)

تفسیر ماده به ماده قانون مدنی

- شرح تمام مواد قانون مدنی بر پایه نظرات دکترین حقوق مدنی.
- ذکر نظرات اختلافی و انتخاب نظر صائب در آزمون های حقوقی.
- نظریه های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه.
- نظریه های شورای نگهبان.
- آراء وحدت رویه.
- و برای اولین بار تطبیق مواد قانون مدنی با قوانین مرتبط.

تألیف و تحقیق:

بهزاد کریمی

تقدیم به:

مرحوم دکتر امیر ناصر کاتوزیان،

مرحوم دکتر سید حسن امامی،

مرحوم دکتر مهدی شهیدی،

دکتر سید حسین صفایی

و

دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی.

دانشمندانی که آسایش و عمر خود را در راه آموزش وقف نمودند، و

به راستی که مالک اصلی این کتاب هستند.

فهرست عنوان ها

عنوان	صفحه
نشانه‌های اختصاری.....	۱۵
مقدمه: در انتشار و آثار و اجرای قوانین به طور عموم.....	۱۶
جلد اول: در اموال.....	۲۹
کتاب اول: در بیان اموال و مالکیت به طور کلی.....	۳۰
فصل اول: در اموال غیر منقول.....	۳۲
فصل دوم: در اموال منقول.....	۳۷
فصل سوم: در اموالی که مالک خاص ندارد.....	۴۰
فصل اول: در مالکیت.....	۴۴
فصل دوم : در حق انتفاع.....	۵۱
مبحث اول: در عمری و رقبی و سکنی.....	۵۴
مبحث دوم : در وقف.....	۶۴
مبحث سوم: در حق انتفاع از مباحات.....	۸۸
فصل سوم: در حق ارتفاق نسبت به ملک غیر و در احکام و آثار املاک نسبت به املاک مجاور.....	۸۸
مبحث اول : در حق ارتفاق نسبت به ملک غیر.....	۸۸
مبحث دوم: در احکام و آثار املاک نسبت به املاک مجاور.....	۹۵
مبحث سوم: در حریم املاک.....	۱۰۶
کتاب دوم: در اسباب تملک.....	۱۰۹
فصل اول: در اشیاء پیدا شده.....	۱۱۵
فصل دوم: در حیوانات ضاله.....	۱۱۸
فصل اول: در اقسام عقود و معاملات.....	۱۲۷
فصل دوم: در شرایط اساسی برای صحت معامله.....	۱۳۵
مبحث اول: در قصد طرفین و رضای آنها.....	۱۳۷
مبحث دوم : در اهلیت طرفین.....	۱۶۵
مبحث سوم: در مورد معامله.....	۱۶۷
مبحث چهارم: در جهت معامله.....	۱۷۱
فصل سوم: در اثر معاملات.....	۱۷۶
مبحث اول: در قواعد عمومی.....	۱۷۶
مبحث دوم: در خسارت حاصله از عدم اجرای تعهدات.....	۱۸۷
مبحث سوم: در اثر عقود نسبت به اشخاص ثالث.....	۱۹۸
فصل چهارم: در بیان شرایطی که در ضمن عقد می‌شود.....	۱۹۹
مبحث اول: در اقسام شرط.....	۱۹۹
مبحث دوم: در احکام شرط.....	۲۰۹

۲۲۲	فصل پنجم: در معاملاتی که موضوع آن مال غیر است یا معاملات فضولی
۲۳۴	فصل ششم: در سقوط تعهدات
۲۳۵	مبحث اول : در وفای به عهد
۲۴۹	مبحث دوم: در اقاله
۲۵۷	مبحث سوم: در ابراء
۲۶۱	مبحث چهارم: در تبدیل تعهد
۲۶۵	مبحث پنجم: در تهاتر
۲۷۰	مبحث ششم: مالکیت مافی الذمه
۲۷۱	فصل اول: کلیات
۲۷۸	فصل دوم: در ضمان قهری
۲۷۹	مبحث اول: در غصب
۲۹۴	مبحث دوم: در اتلاف
۲۹۶	مبحث سوم: در تسبیب
۳۰۱	مقایسه اتلاف و تسبیب
۳۰۲	مبحث چهارم: در استیفاء
۳۰۵	فصل اول: در بیع
۳۰۵	مبحث اول: در احکام بیع
۳۱۱	مبحث دوم: در طرفین معامله
۳۱۲	مبحث سوم: در مبیع
۳۲۱	مبحث چهارم: در آثار بیع
۳۴۴	مبحث پنجم: در خيارات و احکام راجعه به آن
۳۴۷	اول: در خيار مجلس
۳۴۸	دوم: در خيار حيوان
۳۴۹	سوم: خيار شرط
۳۵۲	چهارم: در خيار تأخير ثمن
۳۵۴	پنجم: در خيار رؤیت و تخلف وصف
۳۵۷	ششم: در خيار غبن
۳۶۰	هفتم: در خيار عیب
۳۶۸	هشتم: در خيار تدلیس
۳۷۱	نهم : خيار تبعض صفقه
۳۷۴	دهم : در خيار تخلف شرط
۳۸۰	فصل دوم: در بیع شرط
۳۸۳	فصل سوم: در معاوضه
۳۸۴	فصل چهارم: در اجاره
۳۸۵	مبحث اول: در اجاره اشیاء
۴۰۸	مبحث دوم: در اجاره حیوانات

۴۱۰	مبحث سوم: در اجاره اشخاص
۴۱۴	فصل پنجم: در مزارعه و مساقات
۴۱۴	مبحث اول: در مزارعه
۴۲۵	مبحث دوم: در مساقات
۴۲۸	فصل ششم: در مضاربه
۴۳۶	فصل هفتم: در جعاله
۴۴۴	فصل هشتم: در شرکت
۴۴۴	مبحث اول: در احکام شرکت
۴۵۵	مبحث دوم: در تقسیم اموال
۴۶۷	فصل نهم: در ودیعه
۴۶۷	مبحث اول: در کلیات
۴۷۲	مبحث دوم: در تعهدات امین
۴۸۱	مبحث سوم: در تعهدات امانت گذار
۴۸۲	فصل دهم: در عاریه
۴۸۸	فصل یازدهم: در قرض
۴۹۴	فصل دوازدهم: در قمار و گرو بندی
۴۹۶	فصل سیزدهم: در وکالت
۴۹۶	مبحث اول: در کلیات
۵۰۲	مبحث دوم: در تعهدات وکیل
۵۰۹	مبحث سوم: در تعهدات موکل
۵۱۲	مبحث چهارم: در طرق مختلفه انتضای وکالت
۵۱۸	فصل چهاردهم: در ضمان عقدی
۵۱۸	مبحث اول: در کلیات
۵۳۰	مبحث دوم: در اثر ضمان بین ضامن و مضمون له
۵۳۴	مبحث سوم: در اثر ضمان بین ضامن و مضمون عنه
۵۳۹	مبحث چهارم: در اثر ضمان بین ضامنین
۵۴۰	فصل پانزدهم: در حواله
۵۴۹	فصل شانزدهم: در كفالت
۵۶۲	فصل هفدهم: در صلح
۵۷۵	فصل هجدهم: در رهن
۵۹۴	فصل نوزدهم: در هبه
۶۲۱	فصل اول: در کلیات
۶۲۸	فصل دوم: در موصی
۶۳۶	فصل سوم: در موصی به
۶۴۵	فصل چهارم: در موصی له
۶۴۹	فصل پنجم: در وصی

فصل اول : در موجبات ارث و طبقات مختلفه ارث.....	۶۵۷
فصل دوم: در تحقق ارث.....	۶۶۱
فصل سوم: در شرایط و جمله‌ای از موانع ارث.....	۶۷۰
فصل چهارم : در حجب.....	۶۸۲
فصل پنجم : در فرض و صاحبان فرض.....	۶۹۲
فصل ششم: در سهم الارث طبقات مختلفه وراث.....	۶۹۸
مبحث اول: در سهم الارث طبقه اول.....	۶۹۸
مبحث دوم: در سهم الارث طبقه دوم.....	۷۰۶
مبحث سوم: در سهم ارث طبقه سوم.....	۷۱۱
مبحث چهارم: در میراث زوج و زوجه.....	۷۱۳
کتاب سوم: در مقررات مختلفه.....	۷۲۲
جلد دوم: در اشخاص.....	۷۲۵
کتاب اول: در کلیات.....	۷۲۶
کتاب دوم: در تابعیت.....	۷۴۰
کتاب سوم: در اسناد سجل احوال.....	۷۵۲
کتاب چهارم: در اقامتگاه.....	۷۵۵
کتاب پنجم: در غایب مفقود الاثر.....	۷۶۰
کتاب ششم: در قرابت.....	۷۷۰
کتاب هفتم: در نکاح و طلاق.....	۷۷۲
فصل اول: در خواستگاری.....	۷۷۲
فصل دوم: قابلیت صحی برای ازدواج.....	۷۷۶
فصل سوم: در موانع نکاح.....	۷۷۹
فصل چهارم: شرایط صحت نکاح.....	۷۸۹
فصل پنجم: وکالت در نکاح.....	۷۹۸
فصل ششم: در نکاح منقطع.....	۸۰۱
فصل هفتم: در مهر.....	۸۰۲
فصل هشتم: در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر.....	۸۱۹
فصل اول: در موارد امکان فسخ نکاح.....	۸۳۴
فصل دوم : در طلاق.....	۸۴۱
مبحث اول: در کلیات.....	۸۴۱
مبحث دوم: در اقسام طلاق.....	۸۴۷
مبحث سوم: در عده.....	۸۵۲
کتاب هشتم: در اولاد.....	۸۵۷
کتاب نهم : در خانواده.....	۸۸۱
فصل اول: در الزام به انفاق.....	۸۸۱
کتاب دهم: در حجر و قیمومت.....	۸۸۹

۸۸۹	 فصل اول: در کلیات
۸۹۶	 فصل دوم: در موارد نصب قییم و ترتیب آن
	فصل سوم: در اختیارات و وظایف و مسئولیت قییم و حدود آن نظارت مدعی العموم در امور صغار و مجانین و اشخاص غیر
۹۰۳	 رشید
۹۱۰	 فصل چهارم: در موارد عزل قییم
۹۱۳	 فصل پنجم: در خروج از تحت قیمومت
۹۱۷	 کتاب اول: در اقرار
۹۳۱	 کتاب دوم: در اسناد
۹۴۰	 کتاب سوم: در شهادت
۹۴۴	 کتاب چهارم: در امارت
۹۴۶	 کتاب پنجم: در قسم

دیباچه دکتر جلیل مالکی

حقوق مدنی هر کشور آئینه تمام‌نمای حقوق و تعهدات اشخاص آن کشور و مفاهیم و تعاریف مرتبط با آن است. مفاهیم و تعاریفی که بدون تبیین آنها فهم حقوق و تعهدات اشخاص دشوار است و حقوق و تعهداتی که فی‌الواقع از بطن همین مفاهیم و تعاریف بیرون آمده است و بر سرنوشت اشخاص حاکم گردیده‌اند. حقوق مدنی در مفهوم فوق قلمرو گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد که طول آن از یک طرف از بدو تولد فرد و چه بسا قبل از آن و از زمان حیات جنین آغاز و تا زمان فوت او ادامه می‌یابد و حتی بعد از فوت او نیز ترتیب انتقال حقوق و تعهدات به وارث و نحوه ادا و تقسیم آن را مشخص می‌سازد و عرض آن از طرف دیگر گستره وسیعی از انواع اموال و مالکیت، عقود و ابقاعات، الزامات خارج از قرارداد، وضعیت و اهلیت اشخاص و بالاخص ادله اثبات را دربرمی‌گیرد.

بدون شک قراردادان حقوق مدنی یک کشور در قالب مواد قانونی آن هم به نحوی که جامع و مانع باشد کاری بسیار دشوار است که شارحین قانون مدنی ما در سال ۱۳۰۷، ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ با استفاده از فقه غنی اسلام و حقوق عرفی از عهده آن برآمده‌اند و اثر جاوانه‌ای را به میراث گذاشته‌اند که پس از گذشت قریب به ۹۰ سال پیکره منظم و منطقی آن حفظ گردیده و اگر جایی عضوی از آن جدا گردیده، اثر این جدایی در تضییع حقوق مردم محسوس بوده است.

ظاهر آراسته و باطن عمیق این اثر فاخر که در محتوی ریشه در نظریات اجله فقها و گنجینه‌های فرهنگ بومی و در شکل و ظاهر از قوانین خارجی تأثیر گرفته است. موضوع تفاسیر و تحلیل‌های حقوقی علمای حقوق مدنی از همان ابتدا تا زمان حاضر قرار گرفته است به نحوی که هریک از ظن خود بار این معشوق محبوب گردیده‌اند و نظرات متفاوتی را در موضوعات واحد ارائه نموده‌اند که به نظریه علمای حقوق یا دکتربین مشهور شده است.

اگرچه اختلاف نظر در علوم نظری و بالاخص در حقوق مدنی بعنوان فرد اجلای این علوم امری پسندیده است ولیکن سردرگمی مردم بالاخص حقوقدانان اعم از اساتید، وکلا، و قضات و همچنین دانشجویان و فارغ‌التحصیلان حقوق باید به نحوی رفع گردد که این امر میسر نمی‌گردد مگر با گردآوری نظریات علمای حقوق در یک مجلد و تبیین تفاوت‌ها و تشابهات آن و سپس استخراج نظر صائب از بین آنها امری که اینک توسط محقق ارجمند جناب آقای بهزاد کریمی محقق گردیده و در کنار آثار فاخری همچون شرح قانون مدنی مرحوم حائری شاهباغ و قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی دانشمند گرانمایه مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان و شرح ماده به ماده دکتر بیگزاده می‌تواند در قلمروی دیگر یعنی قلمرو گسترده دکتربین حقوق مورد استفاده قرار گیرد.

دکتر جلیل مالکی

مقدمه مولف:

نزدیک به یک قرن از تدوین قانون مدنی میگذرد. در این سالها قانون مدنی در چندین نوبت مورد اصلاح قرار گرفت که نتیجه این اصلاحات، اصلاح و حذف برخی از مواد، اضافه شدن چند تبصره و ماده مکرر به این قانون بود. و همچنین در مقام رفع نواقص برخی از مواد قانون مدنی، قوانین مرتبطی نیز تحت عنوان «قانون خاص» به تصویب رسیده‌اند از جمله قانون حمایت خانواده، قانون پیش فروش ساختمان، قانون روابط موجر و مستأجر و دیگر قوانین خاص.

بعد از تصویب این قانون، شارحان بزرگ حقوق مدنی (دکترین) در راستای اهداف آموزشی و درک بهتر مباحث حقوق مدنی، تفاسیری منطقی و مناسب بر قانون مدنی ارائه داده‌اند:

دکتر امیر ناصر کاتوزیان: دوره ۵ جلدی قواعد عمومی قراردادها، دوره ۴ جلدی عقود معین، دوره ۳ جلدی اثبات و دلیل، مقدمه علم حقوق، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی و دیگر آثار ارزنده ایشان.

دکتر سیدحسن امامی: دوره ۶ جلدی حقوق مدنی

دکتر سید حسین صفایی: دوره ۲ جلدی حقوق خانواده، دوره مقدماتی حقوق مدنی (۲ جلدی)، حقوق مدنی (شخصه، وصیت، ارث)، حقوق مدنی (اشخاص و محجورین)

دکتر مهدی شهیدی: حقوق مدنی ۳ (تعهدات)، حقوق مدنی (عقود معین ۱) ارث، دوره ۵ جلدی تعهدات

دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی: مقدمه علم حقوق، ترمینولوژی حقوق، رهن و صلح، وصیت، عقد ضمان، عقد حواله، حقوق تعهدات، حقوق خانواده، حقوق اموال، عقد کفالت، دوره ۲ جلدی ارث.

آنچه مسلم است مباحث و مسائل علمی پایان و مرزی ندارد و در جهت پیشرفت اندیشه‌ها می‌بایست از توقف پرهیز کرد.

شرح دکترین قانون مدنی در راستا فهم بهتر مباحث حقوق مدنی براساس ویژگی‌های زیر تألیف یافته است:

(۱) شرح ماده به ماده قانون مدنی: کتاب پیش‌رو بر طبق ترتیب مواد قانون مدنی به نظم کشیده شده است و حتی در ترتیب تفاسیر ذیل هر ماده نظم بالایی را حاکم کرده‌ایم. برای مثال، تفسیر راجع به بند ۱ ماده مقدم بر تفسیر بند ۲ است و تفسیر بند ۲ مقدم بر تفسیر بند سوم است. (نگاه کنید به شرح مواد ۷۴۶ و ۸۶۲)

(۲) تفسیر مواد قانون مدنی بر پایه تفاسیر دکترین حقوق مدنی: همانطور که می‌دانیم یکی از منابع حقوق، دکترین می‌باشد که کارکردهای گوناگونی دارد از جمله در رویه قضایی، قانون و قانون‌گذاری و آموزش. سعی ما بر این بود که جامعه حقوقی بالاخص دانشجویان، قضات، وکلا و اساتید گران‌قدر شرح دکترین قانون مدنی را در یک جلد در دسترس داشته باشند.

(۳) شرح کلمات مهم و دشوار: شرح کلمات مهم و دشوار در تفاسیر مواد قانون مدنی امری است اساسی؛ چرا که مطالعه کننده را از ابهام دور می‌کند. برای دستیابی به این مهم، در این کتاب اولین شرح هر ماده معنی کلمات دشوار است.

(۴) اختلاف نظرات دکترین حقوق مدنی: آسمان حقوق مدنی بسیار بزرگ است، همین بزرگی باعث شده است که اختلاف نظرهایی در بین دکترین حقوق مدنی ایجاد شود. که هر کدام از این نظرات یا بر پایه فقه هستند یا ناشی از عدالت و ظاهر قانون. نظرات اختلافی در حقوق مدنی ذیل هر ماده در این کتاب بیان شده است (نگاه کنید به شرح ماده ۶۸۰؛ اختلاف نظری که بین مرحوم دکتر کاتوزیان و مرحوم دکتر امامی وجود دارد)

در بین داوطلبین آزمون‌های حقوقی این سؤال مطرح است که کدام نظر در آزمون‌های حقوقی ملاک است؟ در انتخاب نظر در این کتاب به دو موضوع توجه شده است:

۱- نظری که در سنوات گذشته مورد سؤال واقع شده است: با بررسی سؤالات (تست‌های) ادوار گذشته، این نظرات را با آزمون منطبق کردیم، بنابراین نظر انتخاب شده به عنوان "نظر ما با نظر دکتر... منطبق است" نظر حقوقی اینجانب نیست و نظر صائب در آزمون‌های حقوق است. (نگاه کنید به شرح ماده ۶۸۰ یا ۱۱۰۰)

۲- نظری که در سنوات گذشته مورد سؤال واقع نشده است: اگر مورد سؤال واقع می‌شد آن نظر را انتخاب می‌کردیم؛ در این حالت نظری را انتخاب کرده‌ایم که با ظاهر ماده و روح مواد سازگارتر است.

۵- ارتباط مواد: بین خود مواد قانون مدنی و سایر قوانین با مواد قانون مدنی ارتباط محتوایی وجود دارد، اگر مطالعه‌کننده به ترتیب مواد را مطالعه کند ارتباط و پیوستگی مواد را درک نمی‌کند بدین منظور مواد مرتبط تحت عنوان «ارتباط مواد» ذیل هر ماده قانون مدنی در این کتاب گردآوری شده است (نگاه کنید به ماده ۶ قانون مدنی که با قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه مصوب ۱۳۱۲ یا ماده ۲۰۰ قانون مدنی که با ماده ۳۵۳ قانون مدنی مرتبط است)

۶- افزایش استدلال و تثبیت مطالب با طرح سؤال: دانشجوی حقوق نباید مطالب را دست نخورده به حافظه خود بسپارد بلکه باید نسبت به آنچه که مطالعه می‌کند با تردید برخورد کند و به سنجش زوایا مختلف یک سؤال بپردازد. در این کتاب با طرح سؤالات استدلالی سعی بر این شده که ذهن داوطلب را به سمت استدلال بکشانیم و یاد بدهیم که سؤالات حقوقی زوایا مختلف دارد (نگاه کنید به آخرین شرح مواد ۶ و ۱۵ و ۵۶۷).

۷ جمع بندی مباحث و مواد: برخی از مباحث و یا قوانین پیچیدگی خاص خود را دارند که مطالعه‌کننده حتماً باید مباحث را در ذهن خود جمع بندی کند. نمونه یک مورد جمع بندی در کتاب پیشرو: جمع بندی ماده ۲۱۸ ق.م. با ماده ۲۱ ق.ا.م.م. : چنانچه معامله به انگیزه فرار از دین صوری نباشد و انتقال گیرنده از انگیزه معامل اطلاع نداشته باشد معامله اصولاً صحیح و قابل استناد است اما اگر انتقال گیرنده از انگیزه معامل اطلاع داشته باشد بازهم معامله اصولاً صحیح است ولی در برابر طلبکاران غیرقابل استناد است و طلبکار می‌تواند از مال مورد انتقال طلب خود را وصول کند.

۸ نکات تستی: در بین مباحث نکاتی وجود دارد که از چشم مطالعه‌کننده دور مانده است و در آزمون‌های حقوقی حائز اهمیت؛ نکات تستی که در این کتاب جمع‌آوری شده است نکات ریز و مهم است که در آزمون‌های حقوقی کمک شایانی به فرد خواهد کرد.

سخن آخر:

تمام تلاش اینجانب بر این بود که گره‌ای از گره‌های موجود را باز و نیازی را رفع کنیم. این کتاب نه اول راه است و نه آخر راه هر مجموعه‌ای ممکن است دارای ایراداتی باشد که اگر مولف این موارد را می‌دانست اصلاح می‌کرد. بنابراین از شما یاری می‌خواهم در راستای بهتر شدن کتاب حاضر و گوشزد کردن معایب آن. از این جهت موجب خرسندی بنده است که نظرات خود را با شماره تلفن ۰۹۳۳۲۹۰۲۹۸۹ به اینجانب اعلام فرمایید.

بهزاد کریمی

تابستان ۱۴۰۰

Behzadkarimi.7

ارتباط مواد قانون مدنی با دروس حقوقی (دانشگاهی)

حقوق مدنی	شماره مواد قانون مدنی
مدنی ۱: اشخاص و مجبورین	مواد ۹۵۶ تا ۱۰۳۰ - مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۵۶
مدنی ۲: اموال و مالکیت	مواد ۱۱ تا ۱۸۲
مدنی ۳: اعمال حقوقی	مواد ۱۸۳ تا ۳۰۰
مدنی ۴: وقایع حقوقی	مواد ۳۰۰ تا ۳۳۷
مدنی ۵: خانواده	مواد ۱۰۳۱ تا ۱۲۰۶
مدنی ۶: عقود معین	مواد ۳۳۸ تا ۶۰۶
مدنی ۷: عقود معین	مواد ۶۰۷ تا ۸۰۷
مدنی ۸: شفعه - وصیت - ارث	مواد ۸۰۸ تا ۹۴۹
ادله اثبات دعوا	مواد ۱۲۵۷ تا ۱۳۳۵

نشانه‌های اختصاری

م	 ماده
ق.ا.	 قانون اساسی
ق.آ.د.م.	 قانون آیین دادرسی مدنی
ق.ا.ا.م.	 قانون اجرای احکام مدنی
ق.ا.ح.	 قانون امور حسبی
ق.پ.س.	 قانون پیش فروش ساختمان
ق.ت.	 قانون تجارت
ق.ت.ا.	 قانون تجارت الکترونیکی
ق.ت.ع.	 قانون تعزیرات
ق.ت.آ.	 قانون تملک آپارتمان‌ها
ق.ث.	 قانون ثبت اسناد و املاک
ق.ث.ا.	 قانون ثبت احوال
ق.ح.خ.	 قانون حمایت خانواده
ق.د.ت.ب.	 قانون داوری تجاری بین‌المللی
ق.ر.م.	 قانون روابط موجر و مستاجر
ق.ص.چ.	 قانون صدور چک
ق.م.	 قانون مدنی
ق.م.ا.	 قانون مجازات اسلامی
ق.م.خ.ک.	 قانون مدیریت خدمات کشوری
ق.م.م.	 قانون مسئولیت مدنی
ق.م.م.	 قانون مالیات‌های مستقیم
ق.م.ا.ا.	 قانون مالیات بر ارزش افزوده
ق.ن.ا.م.م.	 قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی
ل.ا.ق.ت.	 لایحه اصلاحی قانون تجارت
م	 ماده

مقدمه: در انتشار و آثار و اجرای قوانین به طور عموم

ماده ۱: مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه پرسشی پس از طی مراحل قانونی به رئیس جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس جمهور باید ظرف مدت پنج روز آن را امضا و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ منتشر نماید.

تبصره - در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضا یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید (اصلاحی ۱۳۷۰/۰۸/۱۴).

❖ ارتباط مواد:

- رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسشی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد (اصل ۱۲۳ ق.ا).
- کلیه مصوبات راجع به آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی بلافاصله پس از تصویب نهایی لازم الاجرا است. این حکم در مورد این ماده نیز مجری خواهد بود. (قانون مستثنی بودن مصوبات مربوط به آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی از موضوع ماده ۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۷)

• رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسشی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد (اصل ۱۲۳ قانون اصلی).

• روزنامه‌های رسمی:

روزنامه رسمی کشور از سازمان‌های وابسته به قوه قضاییه می‌باشد که به صورت شرکت سهامی اداره می‌شود. وظیفه اصلی شرکت، چاپ و انتشار کلیه قوانین و مصوبات مجلس شورای اسلامی، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، آیین‌نامه‌ها و مصوبات هیئت دولت، آرا وحدت‌رویه دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری، چاپ و نشر برخی آگهی‌های قانونی - قضایی همچون آگهی‌های مربوط به تأسیس و ثبت شرکت‌ها و علائم تجاری، انتشار آگهی دعوت هیئت بستانکاران موضوع ماده ۲۵ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۲۸ / ۴ / ۲۴ انتشار مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری و از دیگر وظایف روزنامه رسمی کشور می‌باشد.

• مجلس شورای اسلامی:

مجلس شورای اسلامی رکن اصلی نهاد قانونگذاری در کشور ایران است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود.

• وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی:

الف) قانون‌گذاری: قواعد از نظر سلسله‌مراتب به قانون اساسی، قوانین عادی و مقررات دولتی تقسیم می‌شود.

در قانون اساسی تصویب قوانین عادی را در حدود شرع و قانون به صورت‌های ذیل برعهده مجلس شورای اسلامی قرار داده است:

مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل ۹۶ آمده برعهده شورای نگهبان است. (اصل ۷۲ قانون اساسی).

اول) قوانین معمولی: اصل حاکمیت قانون اقتضا می‌کند که تمام امور جامعه بر طبق قوانین و قواعد کلی و عامی باشد که براساس آن، همه مردم از حقوق و تکالیف یکسان برخوردار شوند.

مجلس شورای اسلامی در عموم مسائلی در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. (اصل ۷۲)

مجلس با تشخیص و رأی اکثریت اعضای خود می‌تواند لوایح تقدیمی را کلاً یا جزئاً قبول یا رد نماید و موادی را اصلاح یا اضافه کند. بدین ترتیب سرنوشت نهایی قوانین همواره در دست مجلس می‌باشد. (صلاحیت اختیاری مجلس در وضع قوانین).

دوم: قوانین خاص و سازمان‌دهنده: برخی از امور به لحاظ اهمیت، در ردیف مسائل اساسی و بنیادی قرار گرفته و با عنایت خاصه جزء اصول قانون اساسی درآمده است. قانون اساسی در این اصول جهت کلی را کاملاً مشخص نموده؛ اما ذکر کلیات، تفصیل مطلب و یا سازماندهی و اصل مورد نظر را در چارچوب تعیین شده بر عهده مجلس قرار داده است. عناوین اصول موردنظر بدین شرح است:

۱) شوراها (اصول ۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۶)

۲- اصلیت و معنویت (اصول ۲۲، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۳۸، ۳۹)

۳) مطبوعات (اصل ۲۴)

۴) دعاوی مهم دولتی (اصل ۱۳۹)

۵) نیروهای مسلح (اصول ۱۴۹ و ۱۵۰) برعکس صلاحیت اختیاری مجلس در قوانین معمولی، صلاحیت مجلس در مورد قوانین خاص تکلیفی است.

باتوجه به سوگندی که نمایندگان در دفاع از قانون اساسی یاد می‌کنند و مسئولیتی که در مقابل ملت دارند تلاش جمعی آنها در وضع قوانین خاص مذکور به منزله تکلیف اخلاقی و شرعی به شمار می‌آید.

سوم: قوانین تفویضی: صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تصویب قوانین، انحصاری و غیرقابل تفویض است، بدین معنی که مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند. (اصل ۶۷ ق.ا).

با وجود این، برخی از ضرورت‌ها موجب شده است که اصل ۸۵ قانون اساسی دست مجلس را در تفویض اختیار پاره‌ای از وظایف قانونگذاری تحت شرایط خاصی باز گذارد.

اصل ۸۵ قانون اساسی: سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون گذاری را به شخص یا هیاتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجراء می‌شود و تصویب نهائی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، موسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذیربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد.

چهارم: تفسیر قوانین: مجریان در عمل بعضاً با اجمال و ابهام و یا حتی تناقض قانونی روبه‌رو می‌شوند؛ به ترتیبی که مقصود قانون‌گذار برای اجرای صحیح قانون کاملاً روشن نیست. این گونه ابهامات راه را برای هرگونه تفسیر باز می‌گذارد. در تفسیر قوانین، مقنن بهترین مفسر می‌باشد.

← شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. (اصل ۷۳ قانون اساسی)، تفسیر قانون، اصل قانون نیست؛ اما همانند قانون مورد استناد قضات و مجریان قرار می‌گیرد به همین جهت تمامی مراحل که برای وضع یک قانون طی می‌شود برای تفسیر نیز لازم می‌آید.

• صلاحیت عام مجلس در وضع قوانین:

وضع قوانین حسب نیاز موكول به تشخیص مقام صلاحیتدار جامعه است. مجلس شورای اسلامی، با توجه به اینکه از سوی مردم مأموریت دارد، مقام صالح برای شناخت نیازهای جامعه و تصویب قانون است. هرچند که قانون اساسی این صلاحیت عام را برای مجلس قائل شده اما وضع قوانین با همکاری قوای مجریه و مقننه صورت می‌گیرد؛ بدین معنی که اکثر قوه مجریه لوائح را تقدیم مجلس نموده و مجلس آن را مورد بررسی و تصویب قرار می‌دهد. (سرنوشت نهایی قوانین همواره در دست مجلس می‌باشد). (سید محمد هاشمی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران - ج ۲ ص ۱۳۳).

• معنی عام و خاص قانون: (کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، ص ۱۲۰)

الف) معنی خاص: در اصطلاح حقوق اساسی ما، قانون به قواعدی گفته می‌شود که با تشریفات مقرر در قانون اساسی، از طرف مجلس شورای اسلامی وضع شده است. یا از راه همه‌پرسی به طور مستقیم به تصویب می‌رسد. (اصول ۵۸ و ۵۹ قانون اساسی)

ب) معنی عام: وقتی در منابع حقوق از قانون سخن گفته می‌شود و این منبع در برابر عرف به کار می‌رود، مقصود تمام مقرراتی است که از طرف یکی از سازمان‌های صالح دولت وضع شده است، خواه این سازمان قوه مقننه یا رئیس دولت یا یکی از اعضای قوه مجریه باشد. پس، در این معنی عام، قانون شامل تمام مصوبات مجلس و تصویب نامه‌ها و بخشنامه‌های اداری نیز می‌شود.

قانون مفهوم ویژه‌ای دارد که با تعمیم‌های قوه مجریه متفاوت است و آنها را نباید به جای هم استعمال کرد به همین جهت، پاره‌ای از نویسندگان پیشنهاد کرده‌اند که هر جا مقصود معنی عام قانون باشد، کلمه «متون» در برابر عرف گفته شود و بعضی نیز اصطلاح «حقوق نوشته» را ترجیح داده‌اند.

• تفاوت قانون با آیین نامه و تصویب نامه‌ها: (کاتوزیان، همان کتاب، ص ۱۳۰ تا ۱۳۴)

(۱) از حیث تشریفات وضع: قانون ناشی از قوه مقننه است و شرایط تصویب آن را قانون اساسی معین می‌کند. ولی تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌های اداری از طرف قوه مجریه وضع می‌شود و نیازمند تشریفات خاصی نیست.

(۲) قانون حاکم بر تمام مردم و سازمان‌های دولتی است و اگر بر طبق تشریفات مقرر در قانون اساسی تصویب و امضاء شود، هیچ مرجعی حق الغای آن را ندارد و فقط قوه مقننه می‌تواند با وضع قانون دیگری به طور صریح یا ضمنی، آن را نسخ کند. ولی اعتبار تصمیم‌های قوه مجریه محدود به مفاد قوانین است و در صورتی اعتبار دارد که مخالف مصوبات مجلس نباشد. در این صورت، نه تنها دادگاه‌ها باید از اجرای این گونه تصمیم‌ها خودداری کنند. (اصل ۱۷۰ ق. ا) هر ذینفع نیز حق دارد از دیوان عدالت اداری ابطال آنها را بخواهد.

• وضع قانون سه مرحله مختلف دارد که پس از گذشتن این مراحل به صورت قاعده حقوقی درمی‌آید:

الف) تصویب قانون (اصول ۵۸ و ۵۸ ق. ا) درباره آیین وضع قوانین مجلس تصمیم می‌گیرد، ولی مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود.

ب) امضای قانون (اصل ۱۲۳ ق. ا) قانون پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به وجود می‌آید و امضای رئیس جمهور آن را به صورت قاعده قابل اجرا درمی‌آورد. زیرا فقط از این تاریخ است که مأموران قوه مجریه و قضاییه و افراد ملت مکلف به رعایت آن می‌شوند.

✓ معنی دیگر امضاء قانون این است که رئیس دولت اعلام می‌کند که قانون برطبق اصول اساسی به تصویب رسیده است و از این پس همه باید از آن اطاعت کنند.

✓ امضای قانون برای رئیس جمهور اجباری است و او نمی‌تواند از صدور دستور اجرای آن خودداری کند.

اجبار، رئیس جمهور در امضای قانون مشروط بر این است که تشریفات قانون اساسی در تصویب قانون رعایت شده باشد. پس رئیس جمهور می‌تواند از امضای مصوبات ناقص خودداری کند. (اصل ۱۲۳ ق. ا)

چنانچه رئیس جمهور بدون دلیل از امضاء خودداری کند، این تکلیف به رئیس مجلس شورای اسلامی واگذار می‌گردد.

پ) انتشار قانون (ماده ۴ قانون مدنی) انتشار قانون لازمه اجرای آن است.

• شورای نگهبان: وظیفه اصلی شورای نگهبان پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از طریق نظارت بر قوانین و مقررات می‌باشد.

شورای نگهبان را نباید در زمره ارکان قانون گذاری آورد. زیرا نه تنها شورا وظایف دیگری نیز برعهده دارد، حق انشای قانون یا اصلاح آن را دارا نیست و فقط می‌تواند از نظر تعارض قانون با شرع و اصول اساسی، به مصوبات مجلس نظارت کند، بنابراین، باید گفت، شورای نگهبان قانون مصوب را تأیید

می‌کند و نقش آن اعتبار دادن به امر موجود است. وانگهی شورای نگهبان حق دخالت در سیاست قانونگذاری را ندارد و تنها می‌تواند به انطباق مصوب مجلس با قانون اساسی و شرع نظارت کند. (کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، ص ۱۳۲)

در مورد مطابقت قوانینی که از راه همه‌پرسی به تصویب می‌رسد با شرع و قانون اساسی، بهتر است که دولت پیش از اجرای همه‌پرسی نظر آن شورا را درباره طرح خود جلب کند. در ماده حقوق دو ابلاغ پیش‌بینی شده است: یکی به مجریان که مأموران دولت‌اند و دیگری به دیگران به وسیله روزنامه رسمی (لنگرودی، مجموعه قانون مدنی، ص ۲)

● **مجمع تشخیص مصلحت نظام:** مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع یا قانون اساسی بداند و مجلس با درنظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند، مصوبه مجلس برای تشخیص مصلحت به مجمع ارجاع می‌شود (اصل ۱۱۲ ق.ا)، ولی مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی‌تواند خود به قانونگذاری بپردازد. اصلاح متنی که به تصویب مجلس رسیده است، اگر ضرورت پیدا کند، با مجلس شورای اسلامی است و سرانجام نمایندگان مردم باید وضع قانون را به عهده گیرند.

● وضع قانون سه مرحله مختلف دارد که پس از گذشتن این مراحل به صورت قاعده حقوقی در می‌آید:

(۱) تصویب قانون: اصل ۵۸ و اصل ۵۹ ق.ا.

(۲) امضای قانون: اصل ۱۲۳ ق.ا.

(۳) انتشار قانون: ماده ۳ ق.م.

نکته: هرگاه دو قانون عام باشند عام موخر، ناسخ کلی عام مقدم است.

هرگاه دو قانون خاص باشند خاص مؤخر ناسخ کلی خاص مقدم است.

هرگاه یکی از دو قانون، عام و دیگری خاص باشد، قانون خاص مخصص قانون عام خواهد بود (خواه قانون عام، مقدم بر قانون خاص باشد و یا مؤخر به آن)

ماده ۲: قوانین پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجرا است مگر آن که در

خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد (مصوب ۱۳۴۸/۸/۲۹).

● انتشار قانون لازمه اجرای آن است. پیش از انتشار قانون، همه جاهل به آن محسوب می‌شوند و

مفاد آن را نسبت به هیچکس نمی‌توان رعایت کرد. (کاتوزیان- مقدمه علم حقوق- ص ۱۳۴)

● همه ایرانیان، خواه در داخل یا خارج از کشور باشند پس از پانزده روز از تاریخ انتشار قانون مشمول آن می‌شوند. با وجود این، اگر کشور خارجی در وضعی قرار گرفته باشد که همه ایرانیان مقیم در آن جاهل به قانون مانده باشند کسی که از این وضع زیان دیده است می‌تواند جهل خود به قانون را در دادگاه ثابت کند و بدین وسیله از مکافات اجرا نکردن آن مصون بماند. (کاتوزیان -

همان کتاب- ص ۱۶۵)

- ممکن است روز اجرای قانون چند ماه بعد از انتشار آن معین شود، چنان که در تیر ماه قانونی وضع شود و اعلام کنند که از ابتدای سال آینده از واردات اتومبیل فلان مقدار مالیات گرفته می‌شود یا ورود آن به کلی ممنوع است. بنابراین، ماده فوق جنبه تکمیلی دارد.
- پس از انتشار قانون و گذشتن موعد اجرای آن، دیگر ادعای "جهل به قانون" پذیرفته نمی‌شود؛ مگر: (۱) هرگاه هدف قانونگذار حمایت از کسانی باشد که عمل ارادی را به اشتباه انجام داده اند، یا مقصود از وضع قانون حفظ منافع اشخاصی باشد که با حسن نیت مرتکب عمل نامشروعی شده اند، ادعای جهل به قانون پذیرفته خواهد شد.

(۲) جهل همگانی باشد: در مواردی که به سبب وجود قوه قاهره (مانند جنگ) مردم منطقه‌ای از قانون بی اطلاع می‌مانند و همچنین است در مواقع یا مکان‌های که تحصیل علم عادتاً ممکن نیست. (کاتوزیان - همان کتاب - ص ۱۶۵)

- دستور انتشار برای آیین نامه‌ها و تصویب نامه‌ها نیز به طریق اولی رعایت می‌شود، منتها، هیچ تشریفاتی ندارد و دولت می‌تواند اجرای فوری آن‌ها را پس از انتشار مقرر دارد. لزوم انتشار و گذشتن مهلت برای اجرای مفاد آن درباره عموم است و سازمان‌های دولتی تابع ابلاغ مقام‌های اداری است. پس، مأموری که آیین نامه برای اجرا به او ابلاغ شده است نمی‌تواند رعایت آن را به تأخیر اندازد، مگر این که با حقوق مردم ارتباط پیدا کند. (کاتوزیان - قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی - ص ۲۱)
- در هر مورد که اجرای قانون، موقوف به تصویب آیین نامه اجرایی شده است ماده فوق اجرا نمی‌شود.

ماده ۳: انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید.

- طرز انتشار قانون در اختیار قوه مجریه و دولت نیست تا آن را به هر وسیله که صلاح می‌داند به اطلاع عموم برساند. همه باید از پیش بدانند که قوانین در کجا درج می‌شود تا با مراجعه مستمر به آن از حقوق و تکالیف خویش آگاه گردند. بنابراین، انتشار قوانین مطابق ماده فوق باید در روزنامه رسمی به عمل آید نه در رادیو یا تلویزیون.
- این حکم ناظر به انتشار قوانین به معنی خاص آن است و شامل آیین نامه‌ها و تصویب نامه‌ها نمی‌شود. ولی، رویه اداری این است که همه مقررات نوشته را در روزنامه رسمی چاپ و منتشر می‌کنند. (کاتوزیان - همان کتاب - ص ۲۵)
- اگر تصویب نامه‌ای مربوط به شخص یا سازمان خاص باشد، ابلاغ به آن مرجع کافی است. (کاتوزیان - همان کتاب - ص ۲۵)

ماده ۴: اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ما قبل خود اثر ندارد مگر این که در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.

❖ ارتباط مواد:

- مقررات این قانون در مورد کلیه اموری که قبل از این قانون واقع شده معتبر است (ماده ۹۵۵ ق.م).

- قانون نسبت به ما قبل خود اثر ندارد، یعنی قانون فقط بر وقایعی حکومت می‌کند که پیش از وضع آن روی داده است و آنچه در زمان اقتدار قانون سابق روی داده تابع همان قانون است و تغییر قوانین نسبت به اعمال گذشته اثر ندارد. (کاتوزیان-مقدمه ی علم حقوق-ص ۲۳۰)
 - اثر قانون نسبت به آتیه است، در این عبارت اقتدار قانون به اجمال بیان شده و از جمع آن با اصول حاکم بر تعارض قوانین بر می‌آید که قانون جدید، همین که قابل اجرا شده، بر تمام امور حکومت می‌کند و قانون سابق سلطه خویش را از دست می‌دهد. نویسندگان حقوقی، حکومت قانون بر تمام امور آینده را به "اثر فوری قانون" تعبیر کرده اند. (کاتوزیان-همان کتاب-ص ۲۳۰)
 - بی اثر بودن قوانین نسبت به گذشته قاعده مطلق نیست. نظم عمومی و طبیعت پاره‌ای از قوانین ایجاب می‌کند که مقررات آن بر اعمال گذشته نیز حکومت کند از جمله آنها:
- (۱) **قوانین تفسیری:** این دسته از قوانین معنی درست مقررات گذشته را بیان می‌کند و به حکم طبیعت خود در گذشته اثر دارد.

- (۲) **قوانین مربوط به حذف یا تخفیف مجازات ها:** چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع می‌شود، نسبت به جرایم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی مؤثر است. (نگاه کنید به ماده ۱۰ ق.م.ا.)
- (۳) **قوانین راجع به اهلیت:** مثلاً مطابق قانون سابق سن کبر ۱۶ سال مقرر شده باشد و قانون جدید سن مزبور را بیشتر کرده و به ۱۸ برساند فوراً اشخاصی که بیش از ۱۶ و کمتر از ۱۸ سال دارند و مطابق قانون سابق کبیر بوده اند صغیر می‌شوند؛ بدون آن که این صغر جدید آنها در معاملاتی که در زمان کبر سابق خود صحیحاً به عمل آورده اند اثری داشته باشد. (عدل-حقوق مدنی - ص ۲۵)
- (۴) **مقررات مربوط به سازمان قضاوتی،** مقررات مربوط به صلاحیت ذاتی و مقررات آیین دادرسی به معنای اخص. (شمس- آیین دادرسی مدنی- دوره بنیادین- ج ۱- ص ۲۵)

🏠 کارگاه آموزشی (تثبیت مطالب):

علی و محمد دو جوان ۲۰ ساله هستند که معامله ای را منعقد می کنند، منتها ۲۰ روز بعد از انعقاد معامله، با تصویب قانون جدیدی، سن اهلیت کامل جهت معامله از ۱۸ سال به ۲۲ سال افزایش می یابد، آیا تصویب این قانون تاثیری بر معامله علی و محمد دارد؟

🔍 استدلال

- (۱) قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین با چند استثناء مواجهه شده است از جمله قوانین مربوط به اهلیت.
- (۲) به محض تصویب قانون جدید و لازم الاجرا شدن آن، متعاملین فاقد اهلیت محسوب می شوند.
- (۳) تصویب قانون جدید، اصولاً تاثیری در معامله واقع شده در گذشته ندارد. بنابراین معامله علی و محمد صحیح است.

ماده ۵: کلیه سکنه ایران، اعم از اتباع داخله و خارجه، مطیع قوانین ایران خواهند بود، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.

❖ ارتباط مواد:

• اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

- ۱- کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آن‌ها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آن‌ها مورد اعتراض دولت ایران نباشد؛
 - ۲- کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است اعم از این که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند؛
 - ۳- کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیرمعلوم باشند؛
 - ۴- کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند؛
 - ۵- کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به هجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آن‌ها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است؛
 - ۶- هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند؛
 - ۷- هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.
- تبصره: اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنصلی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود. (ماده ۹۷۶ ق.م.ق.)
- قوانین جزائی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد (ماده ۳ قانون مجازات اسلامی).

- این ماده حاوی اصل محلی بودن قوانین در روابط بین المللی است. پس، در مقام رفع تعارض قوانین، هر جا که تردید در اجرای قانون ایران یا خارجی باشد، اصل اجرای قانون ایران درباره ساکنان است. (کاتوزیان- مقدمه علم حقوق- ص ۲۳۵)
- سکنة ایران شامل اشخاص حقیقی و حقوقی است و قوانین ایران اعم است از مدنی و تجاری و کیفری و...
- قوانین مربوط به نظم عمومی درباره همه ساکنین ایران اجرا می‌شود و مانع از اجرای قانون خارجی است. (کاتوزیان- قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی- ص ۲۸)

ماده ۶: قوانین مربوط به احوال شخصیه، از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث، در مورد کلیه اتباع ایران، ولو این که مقیم در خارجه باشند مجری خواهد بود.

❖ ارتباط مواد:

نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند:

- ۱ - در مسائل مربوطه به نکاح و طلاق عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است.
 - ۲ - در مسائل مربوطه به ارث و وصیت عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهب متوفی.
 - ۳ - در مسائل مربوطه به فرزندخواندگی عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است.
- (قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم)

- قوانین ایران اصولاً در داخل مرزهای سیاسی کشور اجرا می‌شود و بر تمام اشخاص و اموال موجود در آن حکومت می‌کند. این قاعده را اصل محلی درون مرزی بودن قانون می‌نامند. ولی، در پاره‌ای امور خارجی‌ان مقیم ایران در حکومت قوانین دولت متبوع خود هستند و بعضی از قوانین داخلی درباره ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز اجرا می‌شود. (کاتوزیان - مقدمه علم حقوق - ص ۲۲۴)
- حکم ماده ۶ برای دادگاه های ایران در هر حال محترم است. ولی در خارج از کشور، در صورتی دادگاه آن را رعایت می‌کند که قانون ملی را حاکم بر احوال شخصی بداند. در نظام حقوقی که احوال شخصی تابع قانون اقامتگاه است (مانند انگلیس و امریکا) نکاح و طلاق و اهلیت ایرانیان نیز تابع قوانین محلی است. (کاتوزیان - قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی - ص ۲۸)
- اجرای ماده ۶ در خاک بیگانه موقعی است که با نظام عمومی محل منافات نداشته باشد و قانون محلی اذن اجرای قانون دولت متبوع بیگانه را داده باشد. (لنگرودی - مجموعه محشی قانون مدنی - ص ۵)
- احوال شخصیه شامل، ازدواج، طلاق و ارث و وصیت است
- در قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه، به اهلیت ایرانیان غیرشیعه اشاره نشده است و ایرانیان غیرشیعه از نظر اهلیت مشمول ماده ۶ ق.م. و مقررات عام این قانون هستند.
- نکته تستی: ایرانیان غیرشیعه در برخی موارد تابع قانون و قواعد مذهب خود هستند و در برخی موارد نیز قانون مدنی ایران اجرا خواهد شد.

📌 کارگاه آموزشی (تثبیت مطالب):

آنهايتا که یک ایرانی غیرشیعه است، ۱۷ سال سن دارد (طبق مذهب خودش در زمینه امور مالی و غیرمالی رشید محسوب می‌شود) آیا نامبرده می‌تواند منزل مسکونی خود را بفروش برساند؟

➤ استدلال

- (۱) در پاسخ به این سوال نباید به ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم استناد نماییم، چرا که این قانون به اهلیت ایرانیان غیرشیعه اشاره نکرده است.
- (۲) ایرانیان غیرشیعه از نظر اهلیت مشمول ماده ۶ ق.م. و مقررات عام این قانون می‌باشند.
- (۳) خانم آنهايتا باید طبق قانون ایران اهلیت داشته باشد و چون به سن ۱۸ سال نرسیده در صورتی معامله او صحیح است که از دادگاه حکم رشد بگیرد.

ماده ۷: اتباع خارجهٔ مقیم در خاک ایران، از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه، در حدود معاهدات، مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.

❖ ارتباط مواد:

• ترکۀ منقول یا غیرمنقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوطه به تعیین وراث و مقدار سهم الارث آن‌ها و تشخیص قسمتی که متوفی می‌توانسته است به موجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود (ماده ۹۶۷ ق.م.).

• مادهٔ فوق استثنایی است بر ماده ۵ ق.م.

• ایرانیان زرتشتی و کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می‌شوند و آن‌ها تابع مقررات قانون مدنی در نکاح و طلاق نیستند مگر:

(۱) قانون آنها با نظم عمومی و اخلاق حسنه داخلی مخالف باشد.

(۲) قاعده مسلمی در مذهب آنان در مورد معین نباشد.

• ماده ۹۶۷ حاکم بر ماده ۷ ق.م. است.

• در طلاق و نکاح خارجیان مقیم ایران، هرگاه زن و شوهر دارای تابعیت های گوناگون باشند، قانون دولت متبوع شوهر حاکم است. (کاتوزیان - قانون مدنی در نظم حقوق مدنی - ص ۳۰)

• نکته آموزشی: اگر تبعه آلمانی که در ایران اقامت دارد فوت نماید، تقسیم ارث او در حدود معاهدات، تابع قانون آلمان است

ماده ۸: اموال غیرمنقول که اتباع خارجه در ایران طبق عهود تملک کرده یا می‌کنند، از هر جهت، تابع قوانین ایران خواهد بود.

• عبارت از "هر جهت"، این ماده را شامل ثبت اجباری ملک و تنظیم اجباری اسناد معاملات غیر منقول می‌کند؛ پس شمول مادهٔ فوق بیش از شمول ماده ۹۶۶ ق.م. است. ماده ۹۶۷ ق.م. هم که بر شمول ماده ۹۶۶ ق.م. افزوده است به میزان شمول ماده ۸ ق.م. نمی‌رسد زیرا اختصاص به امر ترکه دارد و حال آنکه ماده ۸ ق.م. عام است. (لنگرودی - مجموعه محشی قانون مدنی - ص ۷)

• ماده ۹۶۶ نیز حکم این ماده را به اموال منقول سرایت داد و تصرف و مالکیت را به طور کلی مشمول قانون وقوع مال دانسته است. (کاتوزیان - مقدمه علم حقوق - ص ۲۲۶)

• مواد ۹۶۸ و ۹۶۹ و ۹۷۱ ق.م. دربارهٔ قراردادهای اسناد و دعاوی مربوط به اموال غیر منقول واقع در ایران نیز اجرا می‌شود. (نگاه کنید به شرح مواد ذکر شده)

ماده ۹: مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.

- لزوم انتشار عهدنامه در هیچ یک از قوانین مقرر نشده است و در روابط بین المللی نیز اجرای آن را نمی توان موکول به انتشار در روزنامه رسمی کرد. ولی از مفاد ماده فوق به خوبی بر می آید که اجرای عهدنامه در دادگاه های داخلی منوط به رعایت تشریفات اجرای سایر قوانین است. ولی، در روابط بین المللی، پس از تصویب مجلس اعتبار عهدنامه کامل است و باید بی درنگ رعایت شود. (کاتوزیان-قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی-ص ۳۰ و کاتوزیان-مقدمه علم حقوق-ص ۱۳۵)
- مطابق اصل ۵۹ ق.ا. عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، قراردادها و موافقت نامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.
- در صورت تعارض قانون داخلی با پیمان بین المللی قاضی ایرانی باید به قانون ایرانی عمل کند و در روابط بین المللی اعتبار عهدنامه بیش از قانون داخلی است و اختیار دولت را در وضع قانون معارض با آن محدود می کند. (لنگرودی-همان کتاب-ص ۸ و کاتوزیان-همان کتاب-ص ۳۱)

ماده ۱۰: قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.

- اصل آزادی قراردادی در حقوق ایران به وسیله ماده فوق اعلام شده است.
 - عقد و ایقاع، در اصل آزادی تفاوت اساسی باهم دارند.
 - از اصل آزادی قراردادی چهار نتیجه اساسی گرفته می شود:
- (۱) اشخاص می توانند قرارداد را، زیر هر عنوان که مایل باشند، منعقد سازند و نتایج و آثار آن را به دلخواه معین کنند. بنابراین، قرارداد های نامعین به مانند قرارداد راجع به حق تالیف و... معتبر است.
 - ← از اصل آزادی قراردادی در عقود معین نیز برای گسترش دادن به حکومت اراده می توان سود برد.
 - (۲) عقد با تراضی واقع می شود و تشریفات خاص ندارد و دو طرف آن ناگزیر از بکار بردن واژه های معین نیستند. بیان اراده وسیله دست یافتن به خواسته های واقعی آنان است و با هر لفظ و حرکت که انجام شود اثر دارد. تشریفات دیگر، مانند حضور شاهد یا تنظیم سند، ضروری نیست و نیروی الزام آور عقد به آن ارتباط ندارد.
 - (۳) دوطرف عقد ملزم به رعایت آن هستند. بایستی پیمان خویش را محترم دارند و تعهد ناشی از آن را اجرا کنند. دادگاه نیز، به بهانه اجرای عدالت و انصاف، حق ندارد شرایط عقد را تعدیل یا مدیون را به آنچه به عهد دارد معاف کند.
 - (۴) اثر عقد محدود به کسانی است که در تراضی دخالت داشته اند و دیگران از آن سود و زیان نمی برند.
- (نگاه کنید به ماده ۲۳۱ ق.م.) (کاتوزیان-ق.ع-ج ۱-ص ۱۴۶ و ۱۴۷)
- مفاد ماده ۱۰ ق.م. عقد صلح را بیهوده نمی کند و عقد صلح نیز باعث بی نیازی از استناد به ماده ۱۰ نمی شود. (کاتوزیان-قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی-ص ۳۲)

- عامل خارجی که آزادی قراردادهای را محدود می‌سازد یکی از این سه عنوان را دارا است: (کاتوزیان-ق.ع-ج ۱-ص ۱۴۸)

(۱) قانون:

مقصود از قانون، قانون امری است نه تکمیلی. برای احراز نفوذ یا بطلان قراردادهایی که با قانون مخالف است، در مرحله نخست باید طبیعت قانون را باز شناخت: اگر قانون امری باشد: قرارداد باطل است و اگر تکمیلی به شمار رود عقد حکومت دارد.

← در امور مالی اصل بر تکمیلی بودن قانون است برخلاف قوانین مرتبط با احوال شخصیه.

← مقصود از "صریح بودن" تأیید اصل مباح بودن قراردادهای است و کنایه از این که در منع قانونگذار تردید نباشد و گرنه قرارداد مخالف روح قانون نیز باطل است.

(۲) نظم عمومی: (صفایی- قواعد عمومی قراردادها- ص ۵۱)

قوانین امری را قوانین نظم عمومی یا مربوط به نظم عمومی نیز گویند؛ چه این قوانین برای نظم و مصلحت جامعه به وجود آمده اند و از این رو اراده افراد باید آن‌ها را محترم بشمارد.

انواع نظم عمومی:

(الف) نظم عمومی سیاسی: هدفش حمایت از دولت و خانواده و فرد است.

(۱) حمایت از خانواده: قوانین مربوط به خانواده جز در موارد استثنایی امری و مربوط به نظم عمومی هستند.

(۲) حمایت از فرد: این جنبه نظم عمومی از مکتب اصالت فرد (اندیویدوالیسم) سرچشمه گرفته است؛ فرد حق ندارد حیات و آزادی خود را مورد معامله قرار دهد.

(۳) حمایت از دولت: هرآنچه مربوط به ارکان و سازمان‌های دولتی باشد داخل در قلمرو و نظم عمومی است. بنابراین قراردادهای مخالف قوانین اساسی به مانند قرارداد فروش حق رأی، باطل است.

(ب) نظم عمومی اقتصادی: نظم عمومی اقتصادی به مفهوم جدید دارای دو هدف است؛ یکی حمایت از طبقات ضعیف جامعه و دیگر ارشاد و رهبری امور اقتصادی.

(۱) نظم عمومی حمایتی: هدفش حمایت از طبقاتی است که از لحاظ اقتصادی ضعیف هستند، مانند کارگران. کلیه قوانینی که برای حمایت از این طبقات وضع می‌شوند مربوط به نظم عمومی اند. مثلاً قرارداد کار نمی‌تواند مدت کار را جز در مواردی که قانون استثناء کرده است بیش از هشت ساعت در شبانه روز قرار دهد.

(۲) نظم عمومی ارشادی: هدفش تنظیم اقتصاد ملی است. مثلاً تعرفه‌های گمرکی.

(۳) اخلاق حسنه:

اخلاق حسنه عبارت از اخلاق پسندیده اجتماعی و به تعبیری منش و کردار محسنین و پرهیزکاران جامعه است که برحسب زمان و مکان متغیر است و ممکن است با اخلاق مذهبی متفاوت باشد.

- اخلاق حسنه از مصادیق نظم عمومی است و این مفهوم به معنی اعم شامل آن نیز می‌گردد و به دیگر سخن، رابطه بین نظم عمومی و اخلاق حسنه، رابطه عام و خاص است. (صفای-قواعد عمومی قراردادها-ص ۵۸)
- تشخیص نظم عمومی و اخلاق حسنه با قاضی است.
- نهی قانونگذار در صورتی دلالت بر فساد عقد می‌کند که ناظر به یکی از ارکان و شرایط صحت آن باشد یا اثر معامله را نفی کند. (کاتوزیان - قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی - ص ۳۲)

جلد اوّل

در اموال

کتاب اول: در بیان اموال و مالکیت به طور کلی

باب اول: در بیان انواع اموال

ماده ۱۱: اموال بر دو قسم است: منقول و غیر منقول.

• اموال را باید جمع مال بدانیم و در تعریف مال باید به چند نکته توجه کنیم:

الف) این مال باید نیاز انسان را برطرف کند و قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملیت معین باشد.
ب) مال را باید بتوان مورد نقل و انتقال حقوقی قرار داد. ماهی که در دریا است مادامی که شکار نشده نمی تواند مورد نقل و انتقال حقوقی قرار گیرد. (پس، تا زمانی که ماهی شکار نشده نمی توان آن را

مال محسوب کرد). (کاتوزیان- اموال و مالکیت - ص ۹)

• مال را می توان از جهت مکان وقوع مال، از جهت زمان، از جهت مالک مال یا از نظر اهلیت استیفا نسبی دانست. نسبی بدین معنا که از شخصی به شخص دیگر تفاوت دارد برای مثال شراب از نظر یک غیر مسلمان مال محسوب می شود و از نظر یک مسلمان اینگونه نیست. (نگرودی- ترمینولوژی حقوق- ص ۸۹۷)

• کلمه "اموال" را در ابتدا ماده نباید مختص اموال مادی بدانیم بلکه این کلمه را باید شامل همه اموال چه قیمی، چه مثلی و مادی و غیر مادی تلقی کنیم.

• **حق مالی و غیر مالی:**

۱) **حق غیر مالی:** امتیازی است که هدف از آن رفع نیازهای عاطفی و اخلاقی انسانی است. موضوع این حق روابط غیر مالی اشخاص است، ارزش داد و ستد را ندارد و قابل ارزیابی به پول و مبادله با آن نیست: مانند حق زوجیت، حق ابوت و بنوت. غالب این حقوق آثار مالی هم دارند: چنانکه حق وراثت سبب می شود که شخص دارائی خود را تملک کند و حق زوجیت امکان مطالبه نفقه وارث را به دنبال دارد؛ ولی اصل حق را نمی توان به دیگری واگذار و وسیله تحصیل مال قرار داد.

۲) **حق مالی:** امتیازی است که دارای ارزش اقتصادی می باشد و در نتیجه اجرای آن برای صاحب حق مستقیماً منفعت قابل تقویم به پول به وجود می آورد (و یا قابل مبادله) و از این حیث جزء دارایی شخص محسوب می شود به مانند حق مالکیت. (کاتوزیان، اموال و مالکیت، ص ۱۱)

• **اقسام حقوق مالی:**

۱) **حقوق عینی:** حق عینی حقی است که شخص، به طور مستقیم و بی واسطه، نسبت به چیزی پیدا می کند و می تواند از آن استفاده کند. در حق عینی تنها دو عنصر وجود دارد:

۱) شخصی که صاحب حق است (اعم از شخص طبیعی یا حقوقی).

۲) چیزی که موضوع حق قرار می گیرد.